

متن پرسش

با سلام و ادب: سحرگه وزش نسیمی از روح جاری بر آنچه در سینه دارید برای انتقال به مخاطبتان به انحای گوناگون چه در قالب متن و چه در قالب سخن گویی بر قلم احساس شد خواستم آن را با کاربران محترم درمیان بگذارم: «قرآن و این روزها» «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» مَا عَاهَدُوا: آنچه عهد کرده بودند با عهد اشاره شده در آیه اینگونه مد نظر آمد: گوهر وجودمان با عهدی الستی شکل گرفته است «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ... أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا...» و با گفتن «بَلَىٰ شَهِدْنَا» عهدی جانانه بسته ایم با خودمان و حافظ هم، عهد الست خویش را اینگونه به گفت می آورد: «مَطْلَب طَاعَتِ وَ پیمان و صلاح از من مست / که به پیمانه کشی شهره شدم روز الست» و امام خمینی هم اینگونه برایمان از عهد الستی درونش سخن می گوید: «در میخانه گشایید به رویم، شب و روز / که من از مسجد و از مدرسه، بیزار شدم ... بگذارید که از بتکده یادی بکنم / من که با دست بت میکده بیدار شدم» شهادت؛ پاسخی است جانانه به این عهد «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» قَضَىٰ نَحْبَهُ: عهدشان را وفا کردند و برخی هنوز منتظرند. «...وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ...» «خداوندا کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند مشعل شهادت، تو خود، این چراغ پرفروغ را حافظ و نگهبان باش» امام خمینی حاج قاسم تمام نشدنی خبری در راه است. صهیونیسم پست فطرت و اما آنچه برایم جلوه گری دارد. عنوان شماره ۳ در متن «حاج قاسم آشنای جانها» <https://eitaa.com/matalebevijeh/15602> است آنجا که اینگونه توصیف می کنید: «انسانی فراگیر با انعطافی حکیمانه» وقتی حضوری از جنس انعطاف به صحنه می آید به شدت جای خالی حکیمانه بودنش را احساس می کنیم فراگیر بودن هم طلبی است که خلأ سعه اش و نپرداختن به بسیاری از اموری که نمی توانیم به آن بی تفاوت باشیم ما را به حال قبض می برد. بابت آشفتهگی ظاهری و طولانی شدن متن عذرخواهی می کنم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: و این کلمات نیز همان «وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» است زیرا می دانیم خبری در راه است و افقی با شهادت گشوده می شود و این مائیم که بر خلاف تصور استکبار «وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» هرگز کوتاه نمی آیم و از راهی که با انقلاب اسلامی مقابل مان گشوده شده، منصرف نمی شویم. زیرا در آن راه، زندگی را جستجو می کنیم، آن هم نوعی از زندگی که فراسوی مرگ و ماندن معمولی است. آری! «گرم سنگ آسیا بر سر بگردد/ دل آن دل نیست کز دلبر بگردد. به سر کردم نگردانم سر از یار / سري

دارم مباح از بهر این کار». آیا عجیب نیست که حضرت روح الل ه «رضوان الله تعالی علیه» می فرمایند:
«ملت اسلام دیگر بیدار شد؛ دیگر نمی نشیند؛ اگر من هم برگردم ملت اسلام بر نمی گردد. اشتباه نکنید،
اگر خمینی هم با شما سازش کند ملت اسلام با شما سازش نمی کند.» موفق باشید